فرهنگ درست مصرف آب را از کودکی بیاموزیم

آب، منبعی ارزشمند که روزگاری فراوان و همیشه جاری بود، اکنون در بسیاری از شهرها به کالایی کمیاب تبدیل شده است. در چنین شرایطی، آموزش صرفه‌جویی در مصرف این مایع حیاتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که کودکان علاقه زیادی به بازی با آب دارند، ترویج فرهنگ درست استفاده از آب در میان آن‌ها می‌تواند نقش مؤثری در کاهش مصرف و حفظ منابع آبی داشته باشد.

به گزارش ایرنا، والدین با تجربه و آینده‌نگر، روش‌هایی عملی و ملموس را برای آموزش صرفه‌جویی به کودکان اجرا کرده‌اند و معتقدند این اقدامات در کنار کاهش مصرف واقعی آب موجب افزایش مهارت‌ها و مسئولیت‌پذیری کودکان می‌شود. راههای زیر روشهایی است که برخی از این والدین دغدغه‌مند در راستای آموزش مصرف بهینه آب به فرزندان خود در پیش گرفته اند.

بستن شیر آب هنگام مسواک زدن و شست‌وشوی دست‌ها: این روش ساده نشان می‌دهد آموزش عملی به کودکان می‌تواند عادت‌های پایدار ایجاد کند و تاثیر ملموسی بر کاهش مصرف آب داشته باشد. حتی تغییرات کوچک در رفتار خانواده می‌تواند ماهانه چند هزار لیتر آب صرفه‌جویی کند و اهمیت آموزش از سنین پایین را آشکار می‌سازد.

کوتاه کردن زمان دوش گرفتن و روشهای صرفه جویی هنگام حمام: مطالعات نشان می‌دهند کاهش زمان دوش گرفتن و خاموش کردن شیر هنگام شامپو زدن می‌تواند مصرف آب خانگی را تا ۳۰ درصد کاهش دهد. مشارکت کودکان در این فرآیند، علاوه بر کاهش مصرف، حس مسئولیت‌پذیری و همکاری در خانواده را نیز تقویت می‌کند.

استفاده مجدد از آب بازی کودکان برای آبیاری و کارهای مفید: این روش نشان می‌دهد که بازی کودکان می‌تواند به یک ابزار آموزشی واقعی تبدیل شود. از طریق بازی، کودکان با مفهوم چرخه آب، محدودیت منابع و اهمیت استفاده هوشمندانه از آن آشنا می‌شوند و یادگیری به شکل عملی تثبیت می‌شود.

آموزش چرخه آب و اهمیت منابع محدود: تحقیقات تربیتی نشان می‌دهد آموزش مفاهیم محیط‌زیستی از طریق بحث و مشاهده عملی، انگیزه کودکان برای رعایت صرفه‌جویی را افزایش می‌دهد. وقتی کودکان خودشان ایده‌ها و راهکارهای عملی ارائه می‌دهند، یادگیری عمیق‌تر و پایدارتر می‌شود.

شناسایی نشت‌ها و تعمیر آنها: این روش باعث می‌شود کودکان علاوه بر یادگیری صرفه‌جویی، مهارت حل مسئله و مسئولیت‌پذیری را نیز تجربه کنند. والدین تأکید دارند، مشاهده عملی نشت و اصلاح آن تأثیر روانی بالایی روی کودکان دارد و یادگیری صرفه‌جویی را ملموس و جذاب می‌کند.

استفاده هوشمندانه از آب در شست‌وشو و آشپزی: والدین توصیه می‌کنند هنگام شستن سبزیجات و میوه‌ها از آب کم استفاده شود و آب باقیمانده برای آبیاری گیاهان استفاده شود. این تجربه نشان می‌دهد آموزش صرفه‌جویی به کودکان با مشارکت عملی، باعث تغییر رفتار خانواده نیز شده و راهکارهای عملی به سبک زندگی خانوادگی منتقل می‌شود.

مشارکت کودکان، کلید موفقیت

تمام والدین تأکید دارند که بخشی از موفقیت در صرفه‌جویی به مشارکت فعال کودکان برمی‌گردد. وقتی آنها درگیر بازی، آموزش عملی و مشاهده مستقیم می‌شوند، یاد می‌گیرند هر تصمیم کوچک در خانه تأثیر بزرگی بر منابع آب دارد. این تجربه درکنار کاهش مصرف واقعی آب موجب شکل گیری آگاهی، حس مسئولیت و مهارت‌های زندگی در نسل‌های بعدی می‌شود. آموزش صرفه‌جویی در مصرف آب از کودکی، نه تنها کاهش مصرف واقعی آب را تضمین می‌کند، بلکه مهارت‌های زندگی، مسئولیت‌پذیری و تفکر خلاق را نیز پرورش می‌دهد. بستن شیر آب هنگام مسواک زدن، کاهش زمان دوش گرفتن، استفاده مجدد از آب بازی، شناسایی نشت‌ها و آموزش چرخه آب، راهکارهای ساده و عملی هستند که هر خانواده می‌تواند اجرا کند.

گفت‌وگو با حمیده رنجبر، پژوهشگر حوزه تعلیم دینی

ایمان در عصر هیاهو

در روزگاری که رسانه‌ها، شبکه‌های اجتماعی و فرهنگ‌های وارداتی هر لحظه روی ذهن و رفتار کودکان اثر می‌گذارند، والدین با پرسشی اساسی روبه‌رو شده‌اند: چطور می‌توان فرزندی بزرگ کرد که هم دیندار باشد و هم مستقل و توانمند؟ آیا آموزش دین، او را مطیع و وابسته می‌کند یا می‌تواند زمینه‌ی رشد نسلی خلاق، مسئول و پیشرو را فراهم آورد؟

به گزارش مبلغ، پاسخ ساده نیست. بسیاری از خانواده‌ها گمان می‌کنند انتقال ارزش‌های دینی یعنی محدود کردن آزادی ذهنی کودک، در حالی که تجربه‌های تربیتی نشان می‌دهد چنین نتیجه‌ای فقط زمانی به وجود می‌آید که آموزش‌ها خشک، بی‌احساس و دستوری باشند. وقتی تربیت دینی با عشق، الگوی رفتاری و تجربه‌ی زیسته همراه باشد، کودک ایمان را از دل می‌فهمد و قدرت تصمیم‌گیری و مشارکت فعال در جامعه را می‌آموزد.

این مسئله ظریف‌تر از آن است که به نظر می‌رسد. تبلیغات جهانی و جریان‌های فرهنگی، آرام و تدریجی در ذهن کودک نفوذ می‌کنند و تصویری از زیبایی، موفقیت و هویت می‌سازند که ممکن است با ارزش‌های اخلاقی و دینی خانواده در تضاد باشد. پرسش اساسی همین‌جاست: چه کسی مسیر ذهن و قلب کودک را هدایت می‌کند؟ و چه روش‌هایی می‌توانند ایمان و استقلال فکری را هم‌زمان در او پرورش دهند؟

در این میان، نقش والدین از همه مؤثرتر است. کودک گوش نمی‌دهد تا بیاموزد؛ نگاه می‌کند و بازآفرینی می‌کند. نظم، مهربانی و آرامش در رفتار والدین، قوی‌ترین ابزار انتقال ارزش‌های دینی هستند بدون زور و تحمیل. اما وقتی پیام‌های خانه، مدرسه و رسانه هم‌سو نباشند، هویت کودک دو پاره می‌شود و حتی نسبت به باورهای دینی تردید پیدا می‌کند.

حمیده رنجبر باور دارد که تربیت دینی صرفاً آموزش احکام و مناسک نیست؛ هدف، پرورش انسانی است که با عقل، ایمان و اراده‌ی مستقل بتواند فکر کند، تصمیم بگیرد و توانایی‌هایش را در مسیر درست به کار گیرد. چنین تربیتی، کودک را به انتخاب آگاهانه و مسئولیت‌پذیری سوق می‌دهد، نه به پیروی کورکورانه. خانواده‌هایی که ایمان را در

کنار آزادی اندیشه می‌پرورانند، فرزندانی خواهند داشت که در بزرگسالی هم مؤمن می‌مانند و هم مستقل. در مقابل، تربیت خشک و دستوری معمولاً به مقاومت و گریز از دین منتهی می‌شود.

رنجبر توصیه می‌کند والدین از طرح پرسش‌های صریح و چالش‌برانگیز نترسند:

آیا هدف تربیت، داشتن کودکانی مطیع و وابسته است یا انسان‌هایی آزاد و توانمند؟ چطور می‌توان ایمان را منتقل کرد بی‌آن‌که استقلال فکری فرزند آسیب ببیند؟ و آیا تربیت دینی مانع مشارکت اجتماعی است یا زمینه‌ساز حضور فعال در جامعه؟

به گفته‌ی او، پاسخ همه‌ی این پرسش‌ها در روش تربیت نهفته است. آموزش خشک، فقط اطاعت ایجاد می‌کند؛ اما تربیت همراه با عشق، بازی و تجربه، کودک را به مرحله‌ی درونی‌سازی ارزش‌ها و انتخاب آگاهانه می‌رساند.

بیش از نود درصد یادگیری دینی کودک در سال‌های نخست زندگی از مشاهده‌ی رفتار والدین شکل می‌گیرد. کودک نه کلمات را، بلکه رفتار را تقلید می‌کند. والدین باید خودشان پیش از هر چیز الگو باشند؛ یعنی صفات اخلاقی و دینی را در رفتار روزمره‌شان بروز دهند. محبت، آرامش و نظم آنان بهترین راه نفوذ به قلب کودک است.در نتیجه، تربیت دینی درست نه استقلال را می‌گیرد و نه خلاقیت را کاهش می‌دهد. در نگاه رنجبر، کودک دیندار الزاماً مطیع بی‌چون‌وچرا نیست؛ او می‌تواند انسان مستقلی باشد که باورهایش را با عقل و وجدان خویش انتخاب کرده است.

به باور رنجبر، آسیب‌های فرهنگی امروز آرام ولی پیوسته عمل می‌کنند. ارزش‌های جعلی زیبایی و موفقیت، کم‌کم در ذهن کودک جا باز می‌کنند. تبلیغات، کارتون‌ها و عروسک‌هایی مثل باربی نمونه‌هایی هستند که الگوهای غیرواقعی از بدن و سبک زندگی را ترویج می‌دهند و در نهایت، کودک را به ظاهربینی و فاصله گرفتن از معنا سوق می‌دهند. اگر فرهنگ راهبری و هدایت نشود، همین تأثیر نرم و روزمره به بزرگ‌ترین تهدید تربیت دینی تبدیل می‌شود. پس پیام‌های تربیتی باید هوشمند، جذاب و در مسیر ارزش‌های انسانی و دینی طراحی شوند.

آموزش دین، زمانی مؤثر است که به تجربه تبدیل شود. قصه، بازی و هنر ابزارهایی‌اند که بدون تحمیل، ایمان را درونی می‌کنند. اگر ابزارهای دیجیتال و رسانه‌ها هوشمندانه و کنترل‌شده در دسترس کودک قرار گیرند، می‌توانند همین نقش را ایفا کنند. کودک وقتی در داستان یا بازی خودش به نتیجه‌ی اخلاقی می‌رسد، ایمان را «لمس» می‌کند، نه صرفاً می‌شنود. تربیت دینی مبتنی بر عشق و الگو، جایی برای اجبار ندارد؛ عشق همان نیرویی است که از کودک انسانی دیندار، آزاد و توانمند می‌سازد.

تربیت دینی فقط کار خانواده نیست. مدرسه، رسانه و نهادهای فرهنگی باید در یک مسیر هماهنگ حرکت کنند. پیام‌های ناسازگار ذهن کودک را آشفته می‌کنند، اما هماهنگی میان این سه حوزه می‌تواندریشه هایایمان و عقلانیت را در او تثبیت کند.

رنجبر در پایان یادآور می‌شود که تربیت دینی مسیر کوتاه و موقتی نیست؛ فرآیندی مداوم و زندگی‌ساز است. این مسیر از کودکی آغاز می‌شود، در نوجوانی ژرف‌تر می‌گردد و در بزرگسالی به باور و مسئولیت پایدار بدل می‌شود. جامعه‌ای که خانواده و نهادهایش بر پایه‌ی ایمان، عقلانیت و اخلاق حرکت کنند، بی‌تردید نسل‌هایی تربیت خواهد کرد که هم مؤمن‌اند و هم آزاد، هم خلاق‌اند و هم مسئول.

با تصمیم تتو زدن نوجوان چه باید کرد؟

پژوهش‌ها نشان می‌دهد تتو برای بسیاری از جوانان امری هویتی و نمادین است و لزوماً به معنای بزهکاری نیست، اما در عین حال با خطرات پزشکی، امکان پشیمانی و

برخی پیامدهای اجتماعی همراه است. به گزارش تبیان، `تمایل نوجوانان به انجام تتو طی سال‌های اخیر در بسیاری از کشورها از ایالات متحده و کانادا تا کشورهای اروپایی و حتی جوامع آسیایی به یک موضوع چالش‌برانگیز برای خانواده‌ها تبدیل شده است و در ابتدا لازم است بدانید که این موضوع به‌هیچ‌وجه فقط مختص ایران نیست.

در گزارش‌های مدارس آمریکا، انجمن روان‌شناسی کانادا و مطالعات فرهنگی اروپا آمده است که «اختلاف نسل‌ها درباره بدن‌مداری، آزادی فردی و تتو یکی از پرتکرارترین موضوعات تنش میان نوجوانان و والدین است». بنابراین چالش بسیاری از خانواده‌های ایرانی، بخشی از یک الگوی جهانی است.

دوره نوجوانی طبق دیدگاه روان‌پزشکان و روان‌کاوان، دوره بحران هویت و تلاش شدید برای پاسخ به سؤال «من کی هستم؟» است. تتو برای بسیاری از نوجوانان یک ابزار عینی برای تثبیت هویت است؛ چیزی که روی بدن می‌نشیند و می‌گوید: «این منم، با داستان و باورهای خودم.» پژوهش‌های بالینی منتشر شده در ScienceDirect روی نوجوانان نشان داده‌اند که تتو و سایر تغییرات بدنی می‌توانند به نوجوان کمک کنند احساس کند بر بدن خود اختیار و کنترل دارد؛ خصوصاً وقتی در محیطی پر از قانون، سانسور و کنترل بیرونی زندگی می‌کند.

مطالعات جدید دانشگاه کمبریج در حوزه حافظه و هویت نشان داده‌اند که تتو می‌تواند نوعی «یادمان بدنی» برای تجربیات مهم زندگی باشد؛ مانند سوگ، شکست عاطفی، بیماری یا یک نقطه عطف معنوی. به‌عبارت دیگر، تتو برای بعضی نوجوانان و جوانان شیوه‌ای برای تبدیل درد روانی به نمادی قابل لمس است.در برخی پژوهش‌ها نیز نشان داده شده که در جمعیت بزرگسالان، احتمال تتو در کسانی که سابقه سوءرفتار یا غفلت در کودکی داشته‌اند بالاتر است؛ البته این به‌هیچ‌وجه به این معنا نیست که «هر نوجوانی که تتو می‌خواهد، آسیب‌دیده است»، بلکه فقط یادآور این است که گاهی پشت این درخواست، داستان‌های عاطفی حل‌نشده وجود دارد که والدین باید با ظرافت به آن گوش دهند. تتو امروز در بسیاری از فرهنگ‌های مدرن، بخشی از سبک زندگی نسل جوان است؛ نه فقط نماد بزهکاری. مطالعات منتشر شده در ResearchGate درباره «زیرفرهنگ تتو» نشان می‌دهند که تتو می‌تواند احساس تعلق به یک جامعه، گروه موسیقی، خرده‌فرهنگ یا حتی جامعه آنلاین را تقویت کند. وقتی نوجوان می‌گوید: «همه دوستام دارن تتو می‌زنن»، این بیشتر بیان نیاز به «پذیرفته شدن» و «عقب نماندن» است تا یک تصمیم آگاهانه برای به خطر انداختن آینده.

ScienceDirect یکی از جامع‌ترین طبقه‌بندی‌ها درباره انگیزه‌های تتو را در ده دسته کلی از جمله خودابرازی، زیبایی، معنویت، یادبود، تعلق، و مقابله با هنجارهای اجتماعی معرفی کرده است. بخش مهمی از نوجوانان صرفاً بدن را مثل «بوم هنری» می‌بینند و تتو را راهی برای ابراز سلیقه زیبایی‌شناختی خود می‌دانند. مطالعات جدید دانشگاه کمبریج در حوزه حافظه و هویت نشان داده‌اند که تتو می‌تواند نوعی «یادمان بدنی» برای تجربیات مهم زندگی باشد؛ مانند سوگ، شکست عاطفی، بیماری یا یک نقطه عطف معنوی . بدن نوجوان هنوز در حال رشد است؛ این یعنی تتویی که امروز روی بدن ۱۶ ساله زده می‌شود، ممکن است در ۲۵ سالگی کشیده، تغییرشکل‌داده یا نامتقارن دیده شود. منابع معتبر مثل Harvard Health تأکید می‌کنند که تتو می‌تواند با خطراتی مانند عفونت، واکنش‌های آلرژیک، زخم، انتقال برخی عفونت‌ها در صورت رعایت نشدن اصول استریل همراه باشد. از طرفی حذف تتو (مثلاً با لیزر) نه‌تنها پرهزینه و دردناک است، بلکه همیشه هم نتیجه صددرصدی ندارد.

نگرانی‌های والدین درباره تتو معمولاً از چند جهت شکل می‌گیرد: از یک‌سو می‌ترسند تتوی قابل‌مشاهده باعث ایجاد محدودیت‌های شغلی و اجتماعی برای فرزندشان شود و در برخی محیط‌های رسمی مانع پیشرفت او گردد؛ از سوی دیگر، هنوز برخی والدین تحت‌تأثیر مطالعات قدیمی‌تر، نگران ارتباط تتو با رفتارهای پرخطر هستند، هرچند پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد بسیاری از نوجوانان تتوشده زندگی و عملکرد تحصیلی کاملاً طبیعی دارند. علاوه بر این، در خانواده‌ها و فرهنگ‌های سنتی‌تر، تتو می‌تواند با ارزش‌های دینی یا فرهنگی در تعارض قرار گیرد و والدین نگران‌اند که تصمیم هیجانی نوجوان با باورهای خانوادگی ناسازگار باشد. دغدغه مهم دیگر احتمال پشیمانی در آینده است؛ موضوعی که منابع روان‌شناسی نیز آن را تأیید می‌کنند. همه این نگرانی‌ها واقعی و قابل‌درک‌اند، اما چگونگی بیان آن‌هاست که می‌تواند رابطه والد و نوجوان را تقویت کند یا به تنش و فاصله بیشتر منجر شود.

هدف اصلی این است که نوجوان بداند حتی اگر با تصمیمش مخالفید، پشت در بسته نمی‌ماند و می‌تواند با شما حرف بزند.

واکنش اولیه: «مکث، نفس، گفت‌وگو» نه «انفجار» : منابع معتبر تربیت نوجوان مثل Michigan Medicine توصیه می‌کنند که حتی اگر والدین مخالف‌اند، از واکنش تند و تحقیرآمیز («مگه خلافکاری؟»«تو عقل نداری» و ...) پرهیز کنند و ابتدا گفت‌وگویی آرام و محترمانه شکل دهند. واکنش اولیه بهتر است چیزی شبیه این باشد: «می‌فهمم برات جالبه. دوست دارم کامل برام بگی چرا این‌قدر برات مهمه، بعد با هم راجع‌بهش فکر کنیم.» کنجکاوی بدون قضاوت: از او بپرسید: این طرح چه معنایی برات داره؟ دوست داری وقتی مردم این رو می‌بینن، چی ازت بفهمن؟ اگر ۱۰ سال دیگه هم این رو روی بدنت ببینی، چه حسی خواهی داشت؟ این سؤال‌ها، هم به شما کمک می‌کند نیاز عمیق‌تر پشت درخواست را ببینید، هم به خود نوجوان کمک می‌کند انگیزه‌هایش را روشن‌تر کند؛ کاملاً مطابق با یافته‌هایی که تتو را بخشی از «داستان زندگی» افراد می‌دانند.

معرفی کتاب

اسکندر کبیر از قورباغه خوشش می‌آمد؟

اثر [illegible] پرسش

PDF Compressor Free Version

کتاب «اسکندر کبیر از قورباغه خوشش می‌آمد؟» اثری است یگانه و کم‌نظیر در حوزه ادبیات کودک و نوجوان که مرز میان علم، فلسفه و کنجکاوی کودکانه را بزیبایی از هم می‌شکند. این کتاب جذاب و خواندنی، مجموعه‌ای از پرسش‌هایی است که کودکان مهم مطرح کرده‌اند؛ پرسش‌هایی که شاید در ظاهر ساده و بازیگوشانه باشند، اما در واقع از عمیق‌ترین لایه‌های ذهن کنجکاو انسان سرچشمه می‌گیرند. این پرسش‌ها از زمینه‌های متنوعی می‌آیند: علم و طبیعت، فلسفه و اخلاق، روان‌شناسی و رفتار انسان، جانوران، جهان هستی، بدن انسان، تاریخ، آینده، و حتی مفاهیم ماورایی و ناشناخته.

نویسنده کتاب، با انتخابی بسیار دقیق و هنرمندانه، این پرسش‌ها را به متخصصان برجسته هر حوزه سپرده تا پاسخی ساده، قابل فهم و دقیق و علمی ارائه دهند. در این کتاب، دانشمندان، فیلسوفان، نویسندگان مشهور، مخترعان، هنرمندان و پژوهشگران مختلف گرد آمده‌اند تا به زبان کودکانه اما با پشتوانه علمی و فکری به این پرسش‌ها پاسخ دهند. همین ویژگی، کتاب را به پلی میان دو جهان تبدیل می‌کند: جهان شگفتی و سادگی کودکان، و جهان دانایی، تجربه و خردمندی بزرگسالان.

در این اثر، هر پاسخ مانند دروازه‌ای تازه به تخیل کودک گشوده می‌شود. کتاب قصد ندارد کنجکاوی را خاموش کند؛ بلکه آن را شعله‌ورتر می‌سازد و نشان می‌دهد که پرسیدن، آغاز راه دانایی است. پرسش‌هایی مانند اینکه چرا آسمان آبی است، چرا انسان‌ها خواب می‌بینند، چرا بعضی افراد بدجنس می‌شوند، چرا حیوانات حرف نمی‌زنند، چرا دنیا به این شکل ساخته شده، چرا ما احساسات مختلف داریم، چرا برخی چیزها باعث خنده یا ترس ما می‌شوند، [illegible] متفاوت باشند، پرسش‌های عمیقی که از ذهن کودک شکل می‌دهند و جهان‌بینی او را می‌سازند.

کتاب با درک درست از کودکان، نه تنها به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد، بلکه شیوه اندیشیدن را نیز آموزش می‌دهد. کودک می‌آموزد که هر پرسش حتی ساده‌ترین، ارزشمند است و پشت هر پاسخ فرآیندی از تحقیق، آزمایش و اندیشه است. این کتاب به او یاد می‌دهد که پاسخ‌ها همیشه نهایی نیستند و هر پاسخی می‌تواند خود سرچشمه پرسش‌هایی تازه باشد. همین چرخه پرسش و اندیشه است که به کودکان [illegible] تبدیل می‌کند.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های کتاب، زبان ساده و روان پاسخ‌هاست. دانشمندان برای نوشتن پاسخ‌ها مجبور شده‌اند پیچیده‌ترین مفاهیم علمی، اخلاقی و فلسفی را به زبانی کودکانه بیان کنند. این کار، علاوه بر کاربرد آموزشی، نشان می‌دهد که ساده‌سازی دانش یکی از مهم‌ترین مهارت‌های انسانی است. کودک از راه این متن‌ها می‌بیند که بزرگ‌ترین دانشمندان نیز به سادگی و فروتنی به او پاسخ می‌دهند. همین موضوع رابطه‌ای عمیق میان کودک و دانایی ایجاد می‌کند و حس ارزشمند بودن پرسش را تقویت می‌کند.

کتاب به شکل غیرمستقیم [illegible] کودکان را با رشته‌ها و حوزه‌های مختلف علم و هنر آشنا می‌کند. ممکن است کودک با مرور پاسخ یک زیست‌شناس به پرسشی درباره حیوانات، برای اولین بار نام این رشته را بشنود و علاقه‌ای در او شکل بگیرد. پاسخ یک فیزیک‌دان به پرسش‌های مربوط به جهان، فضا یا انرژی، دریچه‌ای به سوی علوم طبیعی و فیزیک باز می‌کند. پاسخ یک فیلسوف به پرسشی درباره خوب و بد، دوستی یا ترس، کودک را وارد دنیای تفکر انتقادی و اخلاقی می‌کند. این کتاب به نوعی نقشه‌ای از جهان دانش به کودک می‌دهد، بدون آنکه او را درگیر اصطلاحات علمی یا کتاب درسی کند.

نکته مهم دیگری که کتاب را ارزشمند می‌کند، لحن سرشار از احترام به کودک است. کتاب هیچ‌کدام از پرسش‌ها را بیهوده، عجیب یا بی‌اهمیت نمی‌داند. برعکس، همه را به عنوان بخشی از روند طبیعی رشد ذهنی انسان در نظر می‌گیرد. همین احترام، به کودک اعتمادبه‌نفس می‌دهد و او را

اسکندر کبیر از قورباغه خوشش می‌آمد؟

تشویق می‌کند تا بیشتر بپرسد، بیشتر جستجو کند و هیچ‌گاه احساس نکند پرسش او «اشتباه» است. کتاب هر چند مجموعه‌ای از پرسش و پاسخ است، اما چنان هوشمندانه ترتیب یافته که خواندن آن مانند یک سفر ذهنی است. خواننده از پرسش‌های ساده روزمره آغاز می‌کند و قدم‌به‌قدم وارد پرسش‌های عمیق‌تری می‌شود: پرسش‌هایی درباره انسان، جهان، اخلاق و معنای زندگی. این روند باعث می‌شود کودک هم به شکل تدریجی و متناسب با پیشروی ذهنی خود، ذهن خود را درگیر پرسش‌های پیچیده‌تر کند و راهی طبیعی به سوی تفکر انتزاعی پیدا کند. از نگاه روان‌شناختی، کتاب تأثیرات مثبتی دارد. کودکان پرسش‌هایی دارند که والدین نمی‌دانند چگونه باید پاسخ دهند؛ یا پرسش‌هایی که والدین، از ترس پیچیده بودن یا نامناسب بودن موضوع، آن‌ها را نادیده می‌گیرند. این کتاب به والدین نشان می‌دهد که چگونه می‌توان پاسخ‌هایی صادقانه، ساده و علمی داد، بی‌آنکه ترس از پیچیدگی موضوع داشته باشد. کودک که با خواندن این کتاب، احساس می‌کند که پرسش‌هایش جدی گرفته می‌شود، و همین باعث می‌شود از درون رشد کند. در کنار جنبه‌های آموزشی، کتاب جنبه ادبی نیز دارد. پاسخ‌ها هرچند ساده‌اند، اما بسیاری از آن‌ها سرشار از تصویرسازی، استعاره، حس شاعرانه و نگاه هنری‌اند. این کتاب به کودکان نشان می‌دهد که علم و هنر از یکدیگر جدا نیستند؛ هر دو از سرچشمه کنجکاوی انسان می‌آیند.

گزیده‌هایی از کتاب:

رنگین‌کمان از چه چیزی ساخته می‌شود؟

رنگین‌کمان از نور ساخته می‌شود. وقتی نور خورشید در آسمان از قطره‌های باران عبور می‌کند، نور سفید به نوارهای باریک رنگی تقسیم می‌شود؛ قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی و بنفش. وقتی نور وارد قطره باران می‌شود، مسیرش را تغییر می‌دهد و تجزیه می‌شود. بعد به دیواره پشتی قطره باران می‌خورد و موقع بیرون رفتن از آن دوباره همه آن رنگ‌های مختلف تجزیه می‌شود.

آگهی تجدید حدود بخش ۴۹ تبریز
واقع در قریه انگیز حومه ثبتی سراب

برابر نامه شماره ۱۰۴/۹/۵۴۸ - ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ نظر بر اینکه ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به شماره پلاک ۱۵۲ - فرعی از ۱۷۴ اصلی واقع در قریه انگیز حومه ثبتی بخش ۴۹ تبریز به استناد رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۰۰۸۰۳۵۱۳۰ - هیات قانون تعیین تکلیف مستقر در ثبت سراب آقای اسکندر عزیزی فرزند وهابعلی تایید مالکیت شده و درخواست تحدید حدود آن تاکنون بعمل نیامده است لذا به استناد تبصره ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی تحدید حدود پلاک ۱۵۲- فرعی از ۱۷۴ اصلی فوق در روز یکشنبه ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ ساعت ۹ صبح شروع و به عمل خواهد آمد لذا بدینوسیله به مالکین مجاور اخطار میشود که در موعد مقرر در محل وقوع ملک حاضر گردند [illegible] و مدت اعتراض به این آگهی برابر ماده ۲۰ قانون ثبت تا سی روز از تاریخ تنظیم صورت مجلس تحدیدی حدود میباشد و نیز برابر ماده ۸۶ آیین نامه قانون ثبت معترض باید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست [illegible] دادگاه مربوطه مراجعه و گواهی عدم تقدیم دادخواست [illegible] ثبت بدون توجه به اعتراض معترض عملیات ثبتی را با رعایت مقررات ادامه خواهد داد. تاریخ انتشار : ۱۴۰۴/۰۹/۱۵
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک سراب- امین عظیمی

آگهی مفقودی
اصل برگ سبز- سند رسمی مالکیت وسیله نقلیه متعلق به خودروی سواری سیستم پراید تیپ جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۹ به رنگ نقره ای - متالیک به شماره شاسی S1412289557194 شماره موتور ۳۳۶۳۳۳۷ شماره VIN: IRPC891V1WZ557194 بشماره انتظامی ایران ۲۹- ۲۷۱ ی ۳۵ بنام مهدی بابائی مانک هلالی بشماره ملی ۳۲۵۸۷۰۷۱۰۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.
مرند

آگهی مفقودی
اصل برگ سبز- سند رسمی مالکیت وسیله نقلیه متعلق به خودروی سواری سیستم پراید تیپ جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۳ به رنگ سفید شیری - روغنی به شماره شاسی S1412283335798 شماره موتور ۰۰۹۵۳۳۳۶ VIN: IRPC831V1333579 بشماره انتظامی ایران ۲۵- ۲۷۹ ج ۶۳ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط میباشد.
مرند

مفقودی
برگ سبز سواری هاچ بک پژو تیپ ۲۰۶ مدل ۱۳۸۲ رنگ سفید صدفی شماره شاسی ۸۱۶۲۹۷۷۵ شماره موتور ۱۰FSE24060749 سوخت بنزین شماره ماشین ۵۷۲ ۴۹۱ ایران ۱۵ بنام راضیه زارعی پور شاهگلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی
برگ سبز خودرو سواری ام وی ام ۱۱۰ مدل ۱۳۸۷ به رنگ سفید - روغنی به شماره موتور: MVM372FG ۸۰۰۷۹۱۱ به شماره شاسی: IR۸۶۲۱۱۰۰۰۷۶۱۰ به شماره پلاک ۱۵-۱۴۹ع۴۲ بنام یونس جدیدی شتربانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.